



پرسش پاسخ

ایده اصلی حزب جمهوری اسلامی چه بود ؟

یک حزب این است که مجموعه‌ای از صاحبان فکر سیاسی یا اعتقادی و یا ایمانی می‌نشینند و تشکلی درست می‌کنند و میان خودشان و آحاد مردم کانال کشی می‌کنند و مردمی را با خودشان همراه می‌کنند، تا فکر خود را به آنها برسانند.
کانون‌های حزبی تشکیل می‌شود، هسته‌های حزبی تشکیل می‌شود، سلول‌های حزبی تشکیل می‌شود و اینها در این مرکز می‌نشینند و افکاری را که خودشان به آن اعتقاد دارند و پای آن ایستاده‌اند - چه فکر سیاسی، چه فکر غیرسیاسی، چه فکر دینی، چه فکر غیردینی - در این کانال‌ها می‌ریزند و این افکار به تکتک افراد می‌رسد و آن مردمی که اینها را قبول می‌کنند، با اینها پیوند پیدا می‌کنند. به نظر من، این سبک تحزب، منطقی است.
«حزب جمهوری اسلامی» بر این اساس تشکیل شده بود و همین‌طور بود.
۷۷/۱۲/۴

خاطرات رهبری

چنین جلساتی برای ما جز و بهترین ساعت‌ها بود

قم را در یک روز سخت و بحرانی ترک کردم. من و تعدادی از دوستان، به خاطر اتفاقی که دقیقاً به یاد ندارم، تحت تعقیب بودیم. ما از در مخفی پشت «مدرسه‌ی خان» که در زیرزمین رختشوی‌خانه بود، بیرون رفتیم. من سوار اتوبوسی شدم که بیشتر مسافران آن از طلاب و علمایی بودند که برای تبلیغ سفر می‌کردند. اتوبوس از قم به مقصد کرمان حرکت کرد. کرمان، آخرین مقصد اتوبوس، حدود هزار کیلومتر تا قم فاصله‌دارد. بیش از سی مبلغ دینی که در این اتوبوس بودند، تدریجاً در شهرها و روستاهای بین راه پیاده می‌شدند. تا آنجا که به یاد دارم، در میان مسافران، آیت‌الله سبحانی هم بود. وقتی اتوبوس به اصفهان رسید، شب شده بود و می‌بایستی راننده و مسافران استراحت کنند. ما برای کل این مجموعه، یک خانه‌ی کوچک را در بست اجاره کردیم و شب خوبی را در آنجا گذرانیدیم و درباره‌ی مسائل مختلفی گفت‌وگو کردیم، که آمیزه‌ای از حرف زدن و بیان گرفتاری‌ها، امیدها و آرزوها، و امور تبلیغی بود. چنین جلساتی برای ما جز و بهترین ساعت‌ها و لحظه‌ها بود. منبع: کتاب خون دلی که لعل شد.

وعده حق خدا

خدای تبارک و تعالی که می‌فرماید: «کسانی که نصرت مرا بکنند آنها را نصرت می‌کنم»، می‌داند که ما و ملت ما نصرت دین او را می‌خواهیم و پیاده شدن احکام اسلام را



آیت الله خامنه‌ای بر مزار شهید آیت الله بهشتی، در دوران ریاست جمهوری ۱۳۶۵

شهید بهشتی در مقابل دستور امام سکوت می کرد

من یادم می‌آید، در آن سال‌هایی که فتنه‌ی لیبرال‌ها، همه‌ی حواس این کشور را به خود جلب کرده بود، ماها غالباً خدمت ایشان می‌رفتیم؛ یا شکایت می‌کردیم، یا کاری داشتیم، یا ایشان کار داشتند. در آن دیدارها، امام مکرر می‌فرمودند که اگر شماها با هم اختلاف و دعوا هم دارید، این دعوا را در درون خودتان تمام کنید؛ چرا در ملاءم مطرح شود؟ البته وقتی ایشان می‌فرمودند، یک دسته - که ماها بودیم - گوش می‌کردند و دهانشان را می‌بستند. شما مرحوم شهید بهشتی (رضوان الله علیه) را یادتان است. با این که آدمی بود که خیلی حرف داشت، خیلی هم قدرت گفتن داشت، سکوت کرد؛ ولی آن طرف دیگر، نه. امام (ره) پاس وحدت را داشتند و نگذاشتند که وضع به آن صورت پیش برود. مسأله‌ی وحدت، این قدر مهم است.
۶۹/۹/۱۴

خانواده

ایرانی

بهترین کسانی که در جو تبلیغات دشمن ایستاده‌اند، بانوان اند

زنان ما در میدان جنگ حضور پیدا کردند؛ در میدان بازسازی حضور پیدا کردند و در میدان نشان دادن قدرت روانی، از همه بیشتر فعالیت کردند. بهترین کسانی که در جو تبلیغات گوناگون دشمنان ایستاند، بانوان کشور ما بودند. تبلیغات دشمنان، به شکل‌های مختلف انتقاد، کاهی را کوهی کردن، مشکل کوچکی را ده برابر جلوه دادن و از این رادیو و آن رادیو گفتن است... بهترین کسانی که در چنین جوّی ایستاند، بانوان کشور ما بودند؛ همین زنان مؤمن که بحمدالله و به کوری چشم دشمنان، عده‌شان هم فراوان و فراوان است و اکثریت زنان ما را تشکیل می‌دهند.
۷۳/۷/۲۰



حزب الله این است

تعداد جوان‌های مؤمن و پراکنیزه چندین برابر اول انقلاب است

حرف ملت در تمام این سال‌های متمادی یک حرف بود و امروز که چهل سال از آن روزهای گذر، ملت ما همان منطق، همان مسیر، همان هدف را دنبال می‌کند؛ منتها امروز پخته‌تر است، باتجربه‌تر است، واردتر است. از لحاظ انگیزه هم اگر نگوییم امروز جوان‌های ما پُراکنیزه‌تر از آن روز هستند،

می‌خواهیم و از اول نهضت همه‌ی هم و هم ملت ما بر این بوده است که جمهوری اسلامی با محتوای اسلامی تحقق پیدا بکند. شهدا همه در راه این مقصد از صحنه‌ی ظاهری خارج شدند و دوستان عزیز ارتشی و سپاه پاسداران و سایر قشرهای مسلح و غیر مسلح،

امام خمینی(ره)؛ ۷ دی ۱۳۶۰



برش دیدار

مذاکره فریبی بیش نیست

می‌گویند بیا بید مذاکره، مذاکره یک فریب است؛ مذاکره بر سر چه؟ بر سر آنچه که او می‌خواهد، یعنی شما اسلحه دستت است، جرئت نمی‌کنی بیا بدجلو، می‌گویی آقا آن اسلحه را بده به من، آن اسلحه را بگذار، مذاکره سر این است؛ تا من بتوانم هر کاری که می‌خواهم با تو بکنم، تا من بتوانم هر بلایی می‌خواهم سر تو بیاورم، مذاکره این است. اگر چنانچه در این مذاکره‌ای که انجام می‌گیرد شما حرف او را قبول کردید، پدرت درآمده؛ اگر حرف او را قبول نکردی باز همین آش است و همین کاسه؛ دعواو سر و صدا و تبلیغات و آقا این‌ها زیر بار نمی‌روند و قریب سیصد نفر را روی آسمان از بین می‌برند، ادعای حقوق بشر هم می‌کنند؛ به کمک سعودی می‌روند مردم را در یمن آن جور در بازار و در مسجد و در مجلس عزا و در مجلس شادی و در بیمارستان و این‌ها بمباران می‌کنند، ادعای حقوق بشر می‌کنند. این‌ها این‌اند.
۹۸/۴/۵

انسان

۲۵۰ ساله

انتشار یمناسبت شهادت رئیس مذهب تشیع

امام صادق (ع) مرد تشکیلات بود

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود... اما آن بعد سوم را که اصلاً ننشیده‌اید، مرد تشکیلات بودن امام صادق (ع) است که یک تشکیلات عظیمی از مؤمنان خود از طرفداران جریان حکومت علوی در سراسر عالم اسلام از اقصای خراسان و ماوراءالنهر تا شمال آفریقا به وجود آورده بود. تشکیلات یعنی چه؟ یعنی اینکه وقتی امام صادق (ع) اراده می‌کند آن چه را که او می‌خواهد بداندند، نمایندگان او در سراسر آفاق عالم اسلام به مردم می‌گویند تا بدانند. یعنی از همه جا وجوهای و بودجه برای اداره‌ی مبارزه‌ی سیاسی عظیم آل علی جمع کنند. یعنی و کلا و نمایندگان او در همه‌ی شهرها باشند که پیروان امام صادق (ع) به آنها مراجعه کنند و تکلیف دینی و همچنین تکلیف سیاسی خود را از آن حضرت بپرسند.
۸۹/۱۲/۲۰



بحث مفصلی است ذیل این سؤال که آیا انقلاب‌ها هم مانند سایر رخ داده‌های اجتماعی، روزی زاده شده و روزی دیگر می‌میرند یا نه؟ در پاسخ به این سؤال، به طور کلی دو دسته نظریه وجود دارد: دسته‌ای که معتقدند بله، انقلاب‌ها هم مانند سایر پدیده‌ها، روزی تمام می‌شوند. مثلاً مرحوم شریعتی ذیل بحث دوگانه‌ی "نهضت-نهاد" و "نهاد" می‌شوند، خاصیت انقلابی خود را از دست داده و دچار آفت محافظه‌کاری شده و به مرور از بین می‌روند.

- نظر به اجتماعی امامین انقلاب

در مقابل اما نظریه‌ی اجتماعی «امامین انقلاب اسلامی" قرار دارد که معتقدند ««انقلاب یک امر مستمر است؛ یک امر دفعی نیست که بگوییم در تاریخ فلان، مثلاً یک حادثه‌ای اتفاق افتاد، یک غذای به خیابان آمدند، ده روز، بیست روز، دو ماه، شش ماه طول کشید و حکومت سرنگون شد؛ انقلاب این است؛ نه، این انقلاب نیست؛ این یک بخشی از انقلاب است. انقلاب یک حقیقت ماندگار و حقیقت دائمی است. انقلاب یعنی دگرگونی؛ دگرگونی‌های عمیق در ظرف شش ماه

احساس کردم خدا از من توقع خدمت بزرگی دارد

(۴۹)

شهادت امام جعفر صادق (ع)، رئیس مذهب تشیع، بر عموم مسلمانان تسلیت باد.

KHAMENEI.IR

نشریه خبری-تبیینی نمازهای جمعه، مساجد و هیئت‌های مذهبی | سال چهارم، شماره ۱۹۰ | هفته دوم تیر ۹۸



رهبر انقلاب در دیدار امروز

پارئسی ومسئولان قوه قضائیه، تأکید کردند

تحول به نفع مردم

جنابعالی را ملاحظه کردم. بر اساس مشورت‌ها و نظرات کارشناسی، آنرا مفید و کارساز می‌دانم.»
۹۷/۱۲/۱۶ امروز نیز رهبر انقلاب در دیدار رئیس و مسئولان دستگاه قضایی، بار دیگر بر ضرورت تحول در قوه‌ی قضائیه اشاره کرده و فرمودند: «تحول معنایش این است که شما یک اصولی دارید دیگر یک اصول مشخصی بر اساس اسلام و قرآن و جمهوری اسلامی یک اصول معین و مشخصی دارید که بایستی اینها را رعایت کنید، پایند به اینها، در چار چوب باید حرکت کنید که اینها مأموریت‌های اساسی قوه‌ی قضائیه است، اینها که تغییر نمیکند، اینها همانی است که از اول بود، حالا همه هست، بعد از این هم خواهد بود مأموریت‌ها. تحول این است که شما برای پرداختن به این اصول، انجام این مأموریت‌ها، رسیدن به این آرمان‌ها، شیوه‌ها و روش‌های ابتکاری و مؤثر و نوو دارای تأثیر فراوان رابداع کنید، ایجاد کنید؛ از این شیوه‌ها استفاده کنید، این یک، عیوب و خلاء‌ها و نقصهایی هم که در گذشته داشته است اینها را برطرف کنید، تحول معنایش این است.»
۹۸/۴/۵

- سه محور تحول در قوه قضائیه

این تحول در قوه‌ی قضائیه، آنچنان که رهبر انقلاب بدان اشاره کرده‌اند، حداقل در سه سطح قابل بررسی است: (۴۹)

عکس نوشت ۴	برش دیدار ۴	انسان ۲۵۰ساله ۴
شهید بهشتی در مقابل دستور امام سکوت می کرد	مذاکره فریبی بیش نیست	امام صادق (ع) مرد تشکیلات بود

سردشت، هنوز هم گرفتار است این شماره تقدیم می‌شود به ارواح طیبه شهدای بمباران شیمیایی سردشت [*] الان برای همت سلاح شیمیایی، اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها چه جارو جنگالی در دنیا راه می‌اندازند، چه قرض شمال‌ی‌ای از درست می‌کنند! آن روز رژیم صدام اجازه داشت سلاح شیمیایی مصرف کند؛ نه فقط در جبهه بلکه آدر شهر سردشت، هنوز هم گرفتار است. اطراف سردشت هنوز گرفتار عوارض شیمیایی است. ببینید این وضع دنیای آن روز بود؛ نشان‌دهنده‌ی این بود که دنیا چه خبر است، تقسیم‌بندی دنیا چگونه است، معادله‌ی قدرت در دنیا چگونه است؛ این را جنگ، دفاع مقدس، این هشت سال، این فداکاری‌های رزمندگان ثبت کرد. ● ۹۷/۷/۴ * در هفتم تیر سال ۱۳۶۶ نیروی هوایی رژیم بعثی شهر سردشت از توابع آذربایجان غربی را مورد حمله‌ی شیمیایی قرار داد که طی این بمباران ۱۰۰ هانفر از مردم بی‌دفاع این شهر به شهادت رسیدند و در حدود ۸۰۰۰ تن دیگر آلوده به گازهای سمی شدند.	شهادت: بمباران شیمیایی ی توسط سفاکان بعثی
تاریخ شهادت: ۷ تیر ۶۶	



هفت برش تاریخی درباره ترور

آیت‌الله خامنه‌ای در روز ششم تیر

احساس کردم خدا از من توقع خدمت بزرگی دارد

روحانیت در لباس رزم

چند روزی بیشتر از آغاز جنگ تحمیلی علیه ایران نگذشته بود که رادیو عراق نام آیت‌الله خامنه‌ای را برده و می‌گوید: چرا افرادی مثل [آیت‌الله] خامنه‌ای که دیگران را به مبارزه در برابر عراق تشویق می‌کنند خودشان به جبهه نبرد نمی‌آیند؟» امام جمعه‌ی تهران اما در اولین خطبه‌ی بعد از آغاز جنگ جواب یاهه‌گویی‌های دشمن را چنین می‌دهند: «شنیدم دستگاه تبلیغاتی مزدور عراق پیغام داده است و سخن پراننده است که چرا آنها که می‌گویند خودشان به میدان نمی‌آیند و شنیدم اسم مرا آورده است. ما میدان آمدنمان مانند میدان آمدن خائن و کافری چون صدام نیست؛ ما به سوی میدان جنگ پرواز می‌کنیم...» ۹۸/۷/۴ یک روز بعد، آیت‌الله خامنه‌ای پس از کسب اجازه از امام خمینی رحمه‌الله به همراه شهید چمران عازم جبهه‌ها می‌شوند.



ترور مردان خمینی

در کنار ماجرای جنگ تحمیلی و ضرورت تقویت جبهه‌ها که بنا بر رهنمود امام امت مسئله‌ی اصلی کشور تعیین شده بود، پشت جبهه‌ها اما به جای آنکه اختلافات جای خود را به همدلی و هم‌زبانی دهد و دشمنی با دشمن ملت، از گروه‌ها و فعالان سیاسی یک "مشت واحد" بسازد، بخشی از بازیگران عرصه‌ی سیاسی که



نمره‌ی مردودی‌شان را از مردم گرفته بودند کم‌کم ترورها را شروع کردند. سبهد قرنی، رئیس ستاد مشترک ارتش، حاج مهدی عراقی و ائمه‌ی جمعه‌ای همچون آیت‌الله صدوقی، مدنی، قاضی طباطبایی و اشرفی اصفهانی، بهایی بود که مردان خمینی (ره) برای تثبیت ریشه‌های نظام جمهوری اسلامی می‌پرداختند. با اعلام جنگ مسلحانه‌ی منافقین در ۳۱ خرداد ۶۰ این ترورها شدت بیشتری یافت و حتی مردم عادی طرفدار نظام جمهوری اسلامی را نیز شامل شد.

آیت‌الله خامنه‌ای نیز یکی از مسئولینی بود که نام او در لیست ترور این سازمان تروریستی قرار داشت. اهالی مسجد ابوذر تهران، شنبه ششم تیر امام جمعه‌ی شهر را برای سخنرانی و جلسه‌ی پرسش و پاسخ به مسجدشان دعوت کرده‌اند. در حین پاسخگویی آیت‌الله خامنه‌ای به پرسش اول، صحبت نیمه‌تمام ماند و بمب دست‌ی‌ای که گروهک فرقان در یک ضبط صوت کار گذاشته بودند سخنران جلسه را به شدت مجروح ساخت. روی جداره‌ی داخلی ضبط صوت که مثل یک کتاب از وسط باز شده بود با مازیک قرمز نوشته بودند: اولین عیدی گروهک فرقان به جمهوری اسلامی!

مثل پرگاه بین زمین و آسمان

رهبر انقلاب آن لحظات حساس بین ماندن و رفتن را چنین روایت کرده‌اند: «آن وقتی که بمب منفجر شد در آن مسجدی که من بودم، از وقتی که بار اول افتادم زمین - نفهمیدم البته چه جوری شد که افتادم- تا وقتی که به کلی بی‌هوش



شدم و بعد از چند روز به هوش آمدم، سه مرتبه‌ی دیگر به هوش آمدم. در این فاصله سه بار لحظاتی به هوش آمدم و هر دفعه یک احساسی داشتم که آن حالات را من هیچ وقت یادم نمی‌رود. در یکی از این حالات احساس کردم که من دارم می‌روم، یعنی دارم می‌میرم. احساس کردم که مرگ در مقابل من است. کاملاً خودم را در مرز عالم برزخ مشاهده کردم. به‌طور خلاصه اگر بخواهم در یک کلمه بگویم، احساس کردم که در آن حال، انسان هیچ دستاویزی به‌جز خدا ندارد؛ هیچ دستاویزی. یعنی هر چه هم عمل آدم پشت سر خودش داشته باشد، باز هم اگر تفضل الهی و رحمت خدا را نتواند جلب کند، آدم خاطر جمع نیست به آن عمل. آدم شک می‌کند که این عمل را با اخلاص به‌جا آورده‌ام؟ آیا یتیم صددرصد خدایی بود؟ آیا در آن شرک نبود؟ آیا ریا در آن نبود؟ ملاحظه‌ی این و آن نبود؟ می‌دانید، این جوری است ها. چون واقعاً ماها مرکز عیوبیم دیگر، همه‌ی شائبه‌ها در ما هست متأسفانه. آن‌جا انسان احساس می‌کند که مثل پر کاهی بین و زمین و آسمان است. این احساس را انسان دارد و منقطع می‌شود.»

لحظاتی بین ماندن و رفتن

ماشین از در عقب بیمارستان وارد محوطه شد. برانکارد آوردند و آقا را رساندند پشت در اتاق عمل. دکتری که از اتاق عمل بیرون آمد؛ نبض را گرفت و باطمینان گفت: "تمام کرده! اما..."

اما دکتر فاضل که آن روز اتفاقی و برای مشاوره‌ی یکی از بیماران در بیمارستان بهارلو حضور داشت، خودش را به اتاق عمل رساند و دستور آماده‌سازی اتاق عمل را داد. بیرون بیمارستان اما مملو از جمعیتی بود که خود را به بیمارستان رسانده بودند. دکتر منافعی می‌گوید: "مردم بیرون بیمارستان صف کشیده بودند برای اهدای خون. رادیو هم اعلام کرده بود جراحات به قلب آقا رسیده، عده‌ای توی محوطه جلوی اورژانس ایستاده بودند و می‌گفتند می‌خواهیم "قلب‌مان" را بدهیم... یا هلی کوپتر، آقا را



رساندیم بیمارستان قلب. لوله تنفس داشتند و تا بیمارستان دو بار مونی‌تور وضعیت نبض، خط ممتد نشان داد... عمل جراحی ۳ ساعت طول کشید و آقا به بخش "آی سی یو" منتقل شدند. شب برای چند لحظه به هوش آمدند... کاغذ خواستند تا چیزی بنویسند... کاغذ که دادیم بادرست چپ و خیلی آرام و با دقت چند کلمه را به‌زحمت کنار هم چیدند: «همراهان من چطورند؟»

به‌چنین سربازانی در پیشگاه حضرت بقیه‌الله افتخار می‌کنم

یک روز بعد، امام خمینی که از زنده بودن آیت‌الله خامنه‌ای مطمئن شدند، قلم به‌دست شده و متنی حماسی، در رثای شاگرد خود می‌نویسند: "اکنون دشمنان انقلاب با سوء قصد به شما که از سلاله‌ی رسول اکرم و خاندان حسین بن علی هستید و جرمی جز خدمت به اسلام و کشور اسلامی ندارید و سربازی فداکار در جبهه‌ی جنگ و معلمی آموزنده در محراب و خطیبی توانادر جمعه و جماعات و راهنمایی دلسوز در صحنه‌ی انقلاب می‌باشید، میزان تفکر سیاسی خود و طرفداری از خلق و مخالفت باستمگران را به ثبت رساندند. ما در پیشگاه خداوند متعال و ولی برحق او



حضرت بقیه‌الله (ارواحنا فداه) افتخار می‌کنیم به سربازانی در جبهه و در پشت جبهه که شب‌ها در محراب عبادت و روزها در مجاهدت در راه حق تعالی به سر می‌برند. من به شما خامنه‌ای عزیز، تبریک می‌گویم که در جبهه‌های نبرد با لباس سربازی و در پشت جبهه با لباس روحانی به این ملت مظلوم خدمت نموده، و از خداوند تعالی سلامت شمارا برای ادامه خدمت به اسلام و مسلمین خواستارم."

چهار روز بعد از ترور

سر خم می‌سلامت

چهار روز بعد، که آیت‌الله خامنه‌ای حالش کمی بهتر



شده بود، در مقابل دوربین صداوسیما قرار گرفت و چنین گفت: «من بحمدالله حالم خیلی خوب است. امروز هیچ احساس ناراحتی فوق‌العاده‌ای نمی‌کنم. بیشترین بخش از ناراحتی‌هایی که داشتم بحمدالله برطرف شده، راحت می‌توانم بنشینم، راحت می‌توانم از تخت پایین بیایم و راحت می‌توانم غذا بخورم و در همه احوال محبت و لطف کارکنان بیمارستان، پزشکان و بقیه، به من کمک کرده و می‌کنند. من بدین وسیله از همین جاعرض سلام و ارادت بی‌پایان خودم را خدمت امام امت می‌کنم و به ایشان عرض می‌کنم که در مقابل حوادثی این چنین، ما هیچ انتظاری نداریم و توقعی نداریم که کمترین رنجشی به‌خاطر ایشان بنشیند. ما معتقدیم که «سر خم می‌سلامت شکند اگر سبویی». همچنین از امت مسلمان و قهرمان که این همه دارند فداکاری می‌کنند در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها، این همه دارند جان‌های عزیز و نفیستان را در راه خدا می‌دهند، انتظار نداریم که در مقابل یک حوادث کوچکی از این قبیل اظهار نگرانی و احساس نگرانی کنند و ما را بیشتر از آن چه که شرمنده هستیم، شرمنده نکنند. از خداوند متعال توفیق همه‌را خواستارم.»

① اول: تحول در طرح و برنامه‌ریزی: هم باید برنامه‌ی

خوب داشت و هم باید با طراحی درست، آن برنامه را عملیاتی کرد. «تحول بدون برنامه که امکان ندارد... لکن برنامه عبارت است از ذهنیات؛ اگر بخواهیم تحقق خارجی به وجود بیاید این کار لازم دارد. پس بنده توصیه‌ی اول، به رئیس محترم و مسئولان محترم و اجزای قوه‌ی قضائیه این است که همین برنامه‌ی خوبی که شما خودتان تدوین کردید و تهیه کردید و ارائه کردید، این برنامه را بر طبق زمانبندی، بدون اغماض پیش ببرید، نگذارید لنگ بشود، از چیزی واهمه نکنید، بروید جلو، به خدای متعال توکل کنید، اقدام کنید، این برنامه را عملیاتی کنید.» ۹۸/۴/۵

دوم: تحول در ساختار: طبق قانون اساسی، قوه‌ی قضائیه دارای مأموریت‌ها و وظایفی است که برخی از آنها تا به امروز یا اصلاً یا کمتر مورد توجه مسئولان این قوه بوده است. برای مثال، طبق قانون اساسی، قوه‌ی قضائیه، مسئول «احیای حقوق عامه» است. «در قانون اساسی احیای حقوق عامه جزو وظایف قوه‌ی قضائیه است، احیای حقوق عامه خیلی دامنه‌ی وسیعی دارد؛ از مسئله‌ی اقتصاد تا مسئله‌ی امنیت تا عرصه‌ی بین‌المللی، جایگاه حقوق عامه است، دفاع از حق مردم در عرصه بین‌الملل چیز خیلی مهمی است، این جزو وظایف شما است یا فرض بفرمایید گسترش عدل و آزادی که خب این گسترش عدل در کنار گسترش آزادی، آزادی هم البته در قانون اساسی آزادی‌های مشروع، معلوم است، گسترش آزادی این هم جزو وظایف شماست.» ۹۸/۴/۵

سوم: تحول در نیروی انسانی: بدون تحول در نیروی انسانی، نه تحول در برنامه امکان‌پذیر است و نه تحول در ساختار. «ببینید! امیرالمؤمنین (علیه‌الصلوة والسلام) در این فرمان معروف به مالک اشتر... یک بخشی مربوط به قوه‌ی قضائیه دارد، در این بخش این جوری می‌فرماید اول: «ثُمَّ اخْتَرُ لِلْحُكْمِ بَيْنَ النَّاسِ أَفْضَلَ رَعِيَّتِكَ فِي نَفْسِكَ» برای قضاوت برترین مردم را انتخاب بکن... بعد از آن وقت حضرت این خصوصیتی که باید این شخص برتر داشته باشد را ذکر می‌کنند؛ ۱۰، ۱۲ تا خصوصیات است، مراجعه کنید، من خواهم می‌کنم حتماً همه به‌خصوص مدیران قوه‌ی قضائیه و آن کسانی که دستشان در انتصابات هست و اینها حتماً مراجعه کنند نگاه کنند... پس انتصابات خیلی مهم است، گزینش‌های شغلی خیلی مهم است؛ هم انتصابات هم گزینش‌ها، می‌خواهید قاضی گزینش کنید، می‌خواهید برای یک کارهایی گزینش کنید، اینها را حتماً نگاه کنید. ۹۸/۴/۵ در حقیقت نیروی انسانی مؤمن و انقلابی، موتور پیشرفت هر مجموعه و سازمانی است که می‌تواند با اقدام خود، موجبات حرکت رو به جلوی سازمان را فراهم کند.

اگر این سه تحول در قوه صورت گرفت، آنگاه می‌توان امیدوار شد که قوه‌ی قضائیه می‌تواند در جهت مأموریت‌های جدید خود، و رضایتمندی بیشتر مردم قدم بردارد. ●